

الحاق مقام ناظر بازار سرمایه ایران به سازمان‌های بین‌المللی و مسئله انطباق با قانون اساسی



محمد صادقی*^۱، پریسا احمدلو^۲ 

۱. دکتری حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق مالی و اقتصادی، تهران، ایران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت

امور خارجه، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qiplk.2025.2045.1836](https://doi.org/10.22034/qiplk.2025.2045.1836)

چکیده

از مقوله‌هایی که می‌تواند در حدود اختیارات و تکالیف مرجع بالادستی بازار سرمایه از منظر دلالت قانون اساسی تحلیل شود مسئله التزام به اصل ۷۷ و اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص عهدنامه‌ها، قراردادهای، و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مترتب بر بازار سرمایه است. بند ۲۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار همکاری و مشارکت با مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی را در شمول وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار قرار داده است. از حیث انطباق مقرر مد نظر با قانون اساسی، پرسشی متصور است که آیا این مقرر با دلالت‌های قانون اساسی تطبیق دارد و آیا احاله این موضوع به نهادی عمومی و غیر دولتی نافی تعهدات دولت ایران در عرصه بین‌المللی است؟ به عنوان برآمد کلی به این موضوع اگرچه رویکرد قانون‌گذار عادی در سلسله مراتب هنجاری و اصول معاهدات بین‌المللی قابل نقد و رفع است، چنانچه سازمان بورس به انعقاد تفاهم‌نامه یا قراردادی خصوصی مبادرت کند، اصولاً، منصرف از تشریفات مصرح قانون اساسی است؛ مگر اینکه در عداد موضوعات بااهمیت در ارتباط با اصول مذکور و مترتب بر یکی از مسائل ملی و اساسی حوزه بورس و بازار اوراق بهادار تلقی شود یا ناظر به تعهد دولت ایران به معاهده یا قراردادی باشد که حسب مورد مضمون اصول معنون و آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی خواهد بود.

کلیدواژه‌گان: سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (آیسکو)، سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی، شورای عالی بورس، شورای نگهبان، قانون اساسی، قانون بازار اوراق بهادار، مجلس شورای اسلامی.



مقدمه

تردیدی وجود ندارد که ارتباط نهادها و مقامات بازار سرمایه کشورمان با اشخاص و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هم ضرورت رشد و اعتلای بازار اوراق بهادار ایران است هم لازمه برخورداری این عرصه از آثار حضور و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی یا تحقق عملی توسعه سرمایه‌گذاری خارجی. همه این حالات، که مؤید نیازهای منتهی به پیوستن ایران به بازارهای جهانی است، حاصل رشد سریع سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی خدمات مالی است که نهایتاً در پی ارتباط بیشتر با بازارهای سرمایه تحول در مقررات و تعامل اوراق بهادار با عناصر خارجی را فزاینده می‌سازد (Hillman, 1992: 232-233). طبیعتاً، اثر عینی جهانی شدن را می‌توان در سرمایه‌گذاری فرامرزی، رشد معاملات خارجی اوراق بهادار، پذیرش شرکت‌های خارجی در بورس‌های داخلی، فعالیت شرکت‌های ایرانی در بورس‌های خارجی، انتشار اوراق بهادار یا پذیره‌نویسی‌های بین‌المللی، ایجاد شرکت‌های چندملیتی اوراق بهادار مشاهده کرد. نتیجه و خروجی این موارد از این قرار است که هر چه سرمایه‌گذاران (اعم از ناشران، نهادهای مالی، حتی مشتریان اوراق بهادار و اشخاص حقیقی) یک کشور در بازارهای اوراق بهادار کشورهای دیگر بیشتر مشارکت کنند بیشتر بر بین‌المللی شدن بازارهای اوراق بهادار دلالت خواهد داشت (باقری و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۸؛ صادقی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). اگرچه مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه کشور ما از حیث خودمختاری در انتخاب اقتصادی به عنوان یکی از اصول اقتصاد بین‌المللی (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۴۰۷) نوعاً ناشی از تشریفات و الزامات مرتبط با احترام به استقلال اقتصادی و معاملاتی است، خود این‌ها در مواردی با سختگیری مضاعفی همراه شده است.^۱ البته این مقاله درصدد بررسی جهات خاص سرمایه‌گذاری خارجی در بورس کشور یا آسیب‌شناسی این مقوله نیست. اما به موضوعی خواهد پرداخت که اثر مستقیم بر تحقق سرمایه‌گذاری خارجی در بازارهای اوراق بهادار ایران و نقش‌آفرینی بیشتر دولت و مقامات بازار سرمایه ما در عرصه‌های بین‌المللی دارد. چون از مقتضیات انطباق بازارهای سرمایه دنیا توجه به نقش و کارکرد استانداردهای جهانی و فزاینده بودن ارتباط‌های میان‌سازمانی و فراملی است تا جایی که دیگر نباید هر سرمایه‌گذار را صرفاً یک سرمایه‌گذار ملی دید (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۹ و ۱۳۰).

وفق بند ۲۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱، «همکاری و مشارکت با

مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی» در عداد وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار قرار گرفته است. احاطه این وظیفه یا اختیار در قوانین متعدد به مراجع تعیین شده در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی امری رایج است و قانون‌گذار غیر از موضوع بیان شده در موارد دیگر نیز چنین تصریحی داشته است.^۲ بنابراین هدف نوشتار حاضر آن است که این موضع قانون‌گذار را در خصوص مقررده بند ۲۱ ماده ۷ ناظر به پیوستن نهاد ناظر بازار سرمایه ایران به سازمان‌های بین‌المللی (منطقه‌ای و جهانی) با دلالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حیث انطباق موضوع با احکام اصل ۷۷ و اصل ۱۲۵ بررسی کند و با بیان رویکردهای احتمالی راجع به تطبیق اصول قانون اساسی با مقررده مد نظر، با رویکرد تحلیلی و تطبیق احکام قانونی مربوط، وضعیت حقوقی این امر را ارزیابی کند. در این زمینه، با لحاظ اینکه پیش‌تر کمتر تحقیقی این موضوع (از حیث انطباق ماهیت نهادهای عمومی غیر دولتی با اصول مد نظر از قانون اساسی) را تحلیل کرده و نتایج این مقاله شناخت بخشی از قاعده حقوقی مترتب بر الحاق نهادهای عمومی غیر دولتی به سازمان‌های بین‌المللی را میسر می‌سازد، ابتدا دلالت‌های قانون اساسی بیان می‌شود و سپس معطوف به عضویت سازمان بورس و اوراق بهادار در سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (آیسکو)، با بهره‌برداری از مواضع تفسیری شورای نگهبان، شمول آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی بر بحث حاضر تحلیل می‌شود. در نهایت، نسبت مقررات سایر قوانین با موضوع مقاله و مسئولیت دولت ایران در قبال الحاق مقام ناظر بازار سرمایه کشور به سازمان‌های بین‌المللی بررسی خواهد شد تا رویکرد جامع‌تری به موضوع مد نظر ارائه شود.

۱. کلیات و دامنه بحث

۱-۱. دلالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با عنایت به ضابطه مهمی که ماده ۹ قانون مدنی در باب تأثیر و مرتبه معاهدات و اصول رفتاری بین‌المللی مقرر می‌دارد «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». در مقام تحلیل و انطباق عضویت مقام ناظر بازار سرمایه ایران در سازمان‌های بین‌المللی بر دلالت‌های قانون اساسی اصولی که این نوشتار در وهله نخست مد نظر دارد عبارت است از:

۱. بنا به تصریح اصل ۷۷ قانون اساسی «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادهای، و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد». از این منظر، اجرای عهدنامه و معاهده بین‌المللی توسط اشخاص و مراجع داخلی وقتی مطرح می‌شود که منطبق بر شرایط مقرر قانونی باشد. یعنی، معاهده و نظام‌نامه بین‌المللی در عین طبیعت قراردادی خود در حکم قانون نیز خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۲ - ۹۳). پس، معاهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی میان دولت‌ها متأثر از قواعدی است که باید در چارچوب خاص حقوقی خود مد نظر قرار گیرد.

۲. به موجب اصل ۱۲۵ قانون اساسی «امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها، و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است».

۲-۱. وضعیت عضویت سازمان بورس و اوراق بهادار در سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (آیسکو)^۳

سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (آیسکو) به عنوان مهم‌ترین مجمع بین‌المللی استانداردساز برای بازارهای سرمایه جهان در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد که مجمعی از تنظیم‌کنندگان بازارهای اوراق بهادار و آتی (فیوچرز) دنیا برشمرده می‌شود و وظیفه اصلی آن تدوین استانداردهای جهانی بازار سرمایه جهت حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران است (صادقی، ۱۴۰۳: ۱۶۳). اگرچه برخی نهادهای بین‌المللی، مانند بانک توسعه اسلامی و صندوق بین‌المللی پول، از اعضای این سازمان به شمار می‌روند، اعضای این سازمان نوعاً و عمدتاً نهادهای ناظر بازارهای سرمایه یا قانون‌گذاران مالی (مراجع مقررات‌گذار در بازارهای مالی) کشورهای مختلف دنیا هستند که بیش از ۹۵ درصد بازارهای سرمایه دنیا را دربرمی‌گیرد. از همین جهت، می‌توان این نهاد را در زمره سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی برشمرد که در جهت توسعه و ترویج و اجرای استانداردهای جهانی بر مقررات داخلی اوراق بهادار تنظیم‌گرهای اوراق بهادار جهان را گرد هم می‌آورد (قلندری و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۰). بر اساس نقش‌آفرینی مرجع مد نظر، مهم‌ترین تأثیر جایگاه این سازمان کمک و همکاری با اعضا جهت توسعه و ارتقای استانداردهای بهینه مقررات، تبادل تجربیات و اطلاعات در جهت ارتقای

توسعه بازارهای داخلی، فراهم آوردن امکان همکاری دوجانبه جهت ارتقای سلامت بازارها، حمایت از منافع سرمایه‌گذاران، کاهش ریسک‌های سیستماتیک، و ایفای نقش به عنوان مجمعی از نهادهای مقررات‌گذار داخلی در همکاری با یک‌دیگر و سایر اعضای سازمان است. به دنبال پذیرش عضویت سازمان بورس و اوراق بهادار (به عنوان نهاد ناظر و مقررات‌گذار بازار سرمایه ایران) در سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار، از ۱۰ فروردین ۱۳۹۵، نام این سازمان در فهرست اعضای وابسته^۴ این سازمان درج شد. در حال حاضر، سازمان بورس و اوراق بهادار در زمره اعضای عادی^۵ این سازمان بین‌المللی قرار دارد. از این حیث، الحاق مقام ناظر بازار سرمایه ایران بر اساس قوانین عادی محقق شده، اما، وضعیت آن از حیث انطباق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محل تحلیل در این نوشتار است.

۲. تحلیل‌های متصور راجع به انطباق موضوع با قانون اساسی

۲-۱. رویکردها و تحلیل‌ها

چنانچه مقررات اصول یادشده و ماده اشاره‌شده را بر موضوع مانحن‌فیه حمل کنیم، تردیدی نیست که چند وجه و احتمال متصور می‌شود:

الف) رویکرد نخست. مقرر بند ۲۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار یا هر مقرر مشابه دیگری در سایر قوانین برخلاف قانون اساسی وضع شده و تأیید آن در وضعیت کنونی از سوی شورای نگهبان محل ایراد باشد. زیرا اولاً اجرای آن باعث ایجاد تعهد و الزام برای کشور می‌شود و ثانیاً اطلاق عناوین مصرح در قانون اساسی حاکم و وارد بر ساختارهای اداری و اجرایی است و تعیین مرجع خاص (با وجود اینکه متولی امری عمومی است) تحت لوای نهاد عمومی غیر دولتی را نباید مؤیدی برای خروج این عناوین و الزامات از تکلیف بالادستی قانون اساسی دانست.

ب) رویکرد دوم. تصویب این قبیل مفاد توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید آن از سوی شورای نگهبان به منزله رعایت شرایط مصرح در اصول یادشده و تأیید پیشین (تنفیذ از قبل) اقدامات بعدی مراجع مقرر در مواد مربوط در قانون مورد تصویب است. البته، بر این فرض چنین ایرادی وارد خواهد بود که اولاً مراد قانون اساسی در اصول یادشده تأیید مؤخر و توشیح موردی است و تأیید یا امضای کلی و پیشین اصولاً خلاف اصل اشاره‌شده است. تفسیر شورای نگهبان نیز بر این تأکید دارد که تصویب مجلس یا امضای رئیس‌جمهور که به قرارداد

رسمیت می‌دهد مؤخر از انعقاد قرارداد انجام می‌شود (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۱۲۶ و ۱۹۳). ثانیاً اصل ۱۲۵ قانون اساسی امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها، و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی را با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او می‌داند که خود مؤید وجود ابتکار انعقاد با قوه مجریه و نظارت استصوابی مجلس جهت صدور مجوز انعقاد به دولت است (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۲۹۳). وانگهی طبق ماده مورد بحث موضوع به هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار محول شده است.

ج) رویکرد سوم. موضوع مقرر بند ۲۱ ماده ۷ قانون بازار یا قوانین مشابه دیگر مصداق اصول مد نظر از قانون اساسی نیست و به عبارتی خروج موضوعی دارد و تخصصاً از دایره بحث این اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خارج می‌نمایند. از همین جهت است که مغایرتی با قانون اساسی ندارد و طی تشریفات آن منصرف از مفاد اصول یادشده در قانون اساسی است. این رویکرد مبتنی بر تفکیک معاهدات رسمی بین‌المللی از توافقات ساده اجرایی، اداری، فنی، و خدماتی است که بین کشورها منعقد می‌شود. از این حیث، اگرچه اصل ۷۷ قانون اساسی تصریح بیشتری دارد و ظاهراً راه را برای هر گونه استثنا بسته است، انعقاد قراردادهای یادشده در ایفای وظایف دولت (قوه مجریه) و داخل در زمینه حقوق بین‌الملل نیست (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۸۳ - ۱۸۴). دلیل توجیهی خاصی که می‌توان بر این رویکرد متصور بود این است که عضویت در نهادها یا سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (آیسکو) در واقع ناظر و مترتب بر عضویت دولت‌ها نیست و این قبیل سازمان‌ها از عضویت نهادهای ناظر و مراجع مقررات‌گذار بازار سرمایه تشکیل شده‌اند که از مقوله و عنوان «دولت» مجزاست. ضمن اینکه چنانچه اجرای مراد اصول قانون اساسی بر موضوع حاضر را جاری و عملی بدانیم، تردیدی نیست که «اعتبار بین‌المللی قرارداد و تعهدات مشابه آن وقتی محقق است که به امضای سران کشورهای طرف قرارداد برسد» (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۲۹۳). اما در اینجا چنین فرضی متصور نیست و به عبارت دیگر آیسکو سازمانی برآمده و شکل‌گرفته از معاهده بین‌المللی میان دولت‌ها نیست و نباید آن را مترتب بر مقوله‌ای ساخت که در شمول قواعد سختگیرانه ناشی از حقوق اساسی و تشریفات ناشی از آن شود. فارغ از این، چنانچه رویکرد سختگیرانه ناشی از الزام به تبعیت از تشریفات شکلی قانون

اساسی را بپذیریم، تردیدی بر ایجاد اطاله پیشبرد موضوعات در جریان (اعم از مراحل طرح در مجلس، تصویب آن، امضا، و نهایتاً تشخیص عدم مغایرت با قانون اساسی وفق اصل ۸۵ توسط شورای نگهبان) نخواهد بود. بنابراین تمسک بدون انعطاف به اصول مورد اشاره باعث اختلال در امور جاری و مانع برخورداری زمینه‌ها و حوزه‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط از توسعه و بین‌المللی شدن فعالیت‌ها خواهد شد.

د) رویکرد چهارم. علاوه بر فروض بیان‌شده، ملاک دیگری نیز قابل اشاره است که به موجب آن این رویکرد قانون‌گذار که مغایر با ظاهر و روح قانون اساسی می‌نماید مبتنی بر بازنگری غیر رسمی در قانون اساسی بر اساس اتخاذ روش‌هایی غیر از روش‌های مقرر در متن قانون اساسی است و نظر معتقدان به «نقض قانون اساسی و تصویب مقرراتی از این قبیل برخلاف روح و ظاهر قانون اساسی» از دیدگاه مفهوم «تغییر غیر رسمی قانون اساسی» قابل بررسی است که از روش‌هایی مثل نیل به رویه‌های اساسی یا تفسیر قانون اساسی بر این منوال و مطابق نیازهای روز محقق می‌شود (← سلطانی، ۱۴۰۰: ۲۴۹ و ۲۶۷؛ مرادخانی، ۱۴۰۰: ۲۸۵ - ۲۹۳). اگرچه این رویکرد در جای خود محل تأمل و توجه است، ظاهراً و بنا به دلایل اعلامی در سایر رویکردها و از حیث نتایج عملی باید اولویت را بر پذیرش فروض دیگر قرار داد.

و) رویکرد پنجم. تفسیر دیگری که جنبه بینابین و حد وسط دارد بر این تأکید می‌کند که اجازه قبلی پارلمان برای امضای قرارداد یا موافقت‌نامه و معاهدات در عرصه سیاست خارجی در خصوص آن دسته از مواردی که در قانون بیان شده لازم است. اما توجه به تقسیم مسئولیت و اقتضائات فی‌مابین قوه مقننه و دستگاه‌های اجرایی نیز امری ضروری به نظر می‌آید (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۴۰۰: ۴۶۶). بنابراین، برخلاف ظاهر اصل ۷۷ قانون اساسی، با اتکال به اشارات صریح قانون اساسی به موارد منع انعقاد بعضی معاهدات و تصویب پاره‌ای از پیمان‌ها و با لحاظ مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی وفق اصل ۱۱۳ فقط خواسته معاهدات مهم به تصویب مجلس برسد. زیرا در غیر این صورت دولت ملزم خواهد بود هر پیمانی را از تصویب مجلس بگذراند و این در عمل مشکلات زیادی را به بار می‌آورد. زیرا هم مجلس را با انبوهی از معاهدات در دستور کار مواجه می‌سازد هم دولت را از اداره امور اجرایی و جاری کشور بازمی‌دارد و نهایتاً منافع ملی را مختل می‌سازد (فلسفی، ۱۳۹۸: ۲۳۶).^۶ علاوه بر این، با درک مفهوم مخالف از نصوص قانونی و نظریات تفسیری راجع به آن‌ها، زمینه برای رفتار دوگانه و

تعارض در رویه‌ها در ارتباط با روابط خارجی فراهم می‌آید (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۸۵). بنابراین، صرفاً در صورتی که موضوع الحاق یا معاهده امری دولتی و در عین حال از صنف امور بااهمیت باشد باید آن را مصداق و تابع اصول مصرح در قانون اساسی بدانیم.

اگرچه ابزارهای متعارف بازارهای اوراق بهادار (از جمله در کشور ما) با نیم‌نگاهی به بازارهای جهانی و مدل‌های خارجی است، قانون‌گذاری این حوزه (همانند مواد قانونی مورد بحث) همچنان ملی و ناظر به شرایط داخلی است (باقری و قنبری، ۱۳۸۹: ۳۲). بنابراین، با غلبه این رویکرد سنتی و از بررسی فروض و رویکردهای فوق این نتیجه حاصل می‌شود که محل اصلی اختلاف دائر بین عضویت دولت یا سازمان غیر دولتی است. بدیهی است اصول مربوط در قانون اساسی ناظر به دولت است. اما اینکه باید آن را به سازمان‌های عمومی غیر دولتی تعمیم داد و نسبت به الحاق نهادی عمومی غیر دولتی به سازمان‌های بین‌المللی جاری شود محل تأمل می‌نماید. برای تحلیل مناسب‌تر این مهم مقتضی است رویکرد تفسیری مرجع ذیصلاح قانونی در این خصوص مد نظر قرار گیرد.

۲-۲. رجوع به نظریه تفسیری شورای نگهبان

در خصوص نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان مترتب بر اصول قانون اساسی مراتب ذیل حائز توجه است:

۱. نظریه شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۰۸/۱۶ شورای نگهبان در مقام بیان مفاد قرارداد بین‌المللی است و به موجب آن اظهار شده قراردادهایی که برای معامله با طرف‌های خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می‌شود خودبه‌خود (فی‌نفسه) مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نیست؛ یعنی قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و انعقاد آن نیاز به تصویب مجلس ندارد. بنابراین، طبق ضوابطی که بنا به مراتب قانون عادی معین می‌شود قابل انعقاد است (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۲۴۸ و ۲۵۰). این امر مبتنی بر آن است که صرف خارجی بودن موضوع قرارداد نباید مصداق و مشمول اصول مد نظر از قانون اساسی برشمرده شود و تابع تشریفات مقرر تلقی شود.

۲. از این حیث که بند ۲۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار مقرر می‌دارد: «همکاری و مشارکت با مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی» یکی از وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار است، بین‌المللی بودن همکاری یا رابطه

حقوقی- فی نفسه- ملازمه‌ای با طی تشریفات قانون اساسی ندارد و شمول آن تشریفات نسبت به امور حرفه‌ای بازار سرمایه منوط به دولتی بودن موضوع و اقدام‌کننده (دولت) است؛ کما اینکه در اظهارنظر دیگری از شورای نگهبان (نظریه تفسیری شماره ۳۹۰۳ مورخ ۱۳۶۰/۰۸/۰۷) مقرر شده: «قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی می‌باشد، قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۱۲۴ - ۱۲۵).

۳. اگرچه تأکید بر قراردادهای یا معاهدات دولتی در تفسیر شورای نگهبان طبق رویکرد حداقلی و نص‌گرا به قانون اساسی قابل توجیه است، این تفسیر به دلیل اینکه روح حاکم بر اصول یادشده در قانون اساسی را به وصف «دولت» تقلیل می‌دهد و «امور دارای جنبه‌های عمومی ولیکن برآمده از نهادهای عمومی و غیر دولتی» را از آن خارج می‌سازد قابل تأمل است. این انتقاد گاهی حداکثری است و به زعم مخالفان مطلق جای توجیه نمی‌یابد و گاه شاهد مثالی است برای بازنگری غیر رسمی اصول مبحث‌عنه در قانون اساسی بر اساس تفسیر توسط مرجع صالح تفسیر قانون اساسی (شورای نگهبان). ایراد وارد بر منصرف دانستن سازمان‌های متولی امر عمومی غیر دولتی از دولت و عدم سرایت دلالت‌های قانون اساسی بر آن همچنین از حیث شناسایی تابعان حقوق بین‌الملل و شمول عنوان معاهده بین‌المللی بر اشخاصی فراتر از دولت است. در حقوق بین‌الملل نیز هر پیمانی که میان تابعان نظام بین‌المللی (اعضای جامعه بین‌الملل) بسته می‌شود معاهده نامیده می‌شود (فلسفی، ۱۳۹۸: ۱۵۴). سازمان‌های بین‌المللی نیز اگرچه اصولاً دارای ماهیتی بین‌الدولی هستند و این ماهیت (سازمان بین‌المللی) در جهت همکاری بین دولت‌ها تحقق یافته است (بیگزاده، ۱۴۰۰: ۵۰ و ۸۳)، اعضای جامعه بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی اعم از کشورها (دولت‌ها) و سازمان‌های بین‌المللی هستند و اشخاص حقیقی، شرکت‌های خصوصی خارجی (به‌ویژه فراملی یا چندملیتی)، سازمان‌های غیر دولتی نیز حسب مورد مخاطب حقوق بین‌الملل‌اند و قواعد حقوق بین‌الملل حسب مورد در مورد آن‌ها نیز وضع شده یا موضوع حق و تکلیف قرار داده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۴ - ۵ و ۴۰۴ - ۴۰۵؛ زمانی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۹۹ - ۱۰۴).

جمع‌بندی بحث چنین است که به موازات احاله تصویب قطعی معاهدات بین‌الملل به حقوق داخلی و اصل تمایل قانون‌گذار داخلی به استشاره با نمایندگان ملت در خصوص ابعاد

و آثار پذیرش، الحاق، یا پیوستن به معاهدات دارای تکالیف قانونی و واجد وظیفه حقوقی یا آثار مالی-اقتصادی رضایت هر دولت در پیوستن به معاهده باید بر اساس و با احتساب مقررات قانون اساسی ابراز شود (فلسفی، ۱۳۹۸: ۲۱۴ - ۲۱۵). بنابراین، اینکه آثار ناشی از تشریفات مقرر در اصل مورد اشاره قانون اساسی صرفاً ناظر به معاهدات بین دولت-دولت تقلیل یابد و معاهداتی که توسط سازمانی عمومی اما غیر دولتی منعقد یا پذیرش شده از آن مستثنی شود، می‌تواند عدول رندانه از ضابطه یادشده و عرف‌های مربوط در عرصه بین‌الملل باشد. اهمیت ایراد بیان‌شده زمانی مضاعف می‌شود که اولاً اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی (از جمله بند «ج» اصل ۲، اصل ۹، بند ۸ اصل ۴۳، اصل ۸۰، اصل ۸۱، اصل ۱۵۲، اصل ۱۵۳، اصل ۱۴۶) بر نفی سلطه بیگانگان دلالت صریح و بر استقلال سیاسی و اقتصادی کشور تأکید دارد و ثانیاً قانون اساسی در زمینه‌های فوق‌الذکر قرارداد و معاهده در صور مختلف را (جز در مواردی که مربوط به حوزه قراردادهای توافق‌های خصوصی تلقی شود) به یک شکل دیده و توأمان تشریفاتی ساخته است. در این خصوص ناظر به هر عمل دولت حتی قراردادهای جزئی مرتبط با قرارداد اصلی و خارج از آن، یادداشت تفاهم‌هایی که ایجاد تعهد کند، و لوایح الحاق ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی نیز مستثنی از ضوابط بیان‌شده در قانون اساسی نمی‌شود و در حکم موافقت‌نامه و معاهده‌هایی لحاظ می‌شود که باید به تصویب مجلس برسد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۱۲۷ و ۱۲۹).

در کنار لزوم بررسی تشریفات و شرایط مصرح، اگرچه الحاق به سازمان‌های بین‌المللی یا همکاری با مراجع و نهادهای خارجی فی‌نفسه به معنی نقض قانون اساسی از حیث رعایت استقلال کشور نیست، این نکته نیز محل توجه است که اولاً بورس و بازار اوراق بهادار در انبوهی از مقررات تنظیمی حاکمیتی و در لایه‌هایی از قوانین و مقررات حقوق عمومی احاطه شده (Hillman, 1992: 343) و همین سبب گاه امکان همسان‌سازی مقررات جهانی و بین‌المللی را دشوار می‌سازد یا نظام‌های حقوق داخلی را به احتیاط وامی‌دارد تا حتی‌الامکان قوانین ملی را حاکم کنند (Bagheri, 2007: 151) و ثانیاً پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های بازار سرمایه و حسابداری و حسابرسی یا امثال آن‌ها لازمه پیشرفت کشور در امور حرفه‌ای و انطباق فعالیت سازمان‌ها و نهادهای داخلی با استانداردهای جهانی است. بنابراین، صرف پذیرش اقتضائات علمی جهانی و التزام به استانداردهای بین‌المللی را نیز نمی‌توان داخل

در عنوان «معاهده» یا «تعهد» منظور کرد و تسری آثار این عناوین بر آن مستلزم دلیل متقن خواهد بود. وانگهی آزادسازی و جهانی شدن بازارهای اوراق بهادار این عرصه را نیازمند اتخاذ سیاست‌های تقنینی (دست‌کم در معنای مقررات‌گذاری) همسو با مؤلفه‌های بین‌المللی مبتنی بر اصول حقوق بین‌الملل عمومی و ناظر به روابط اقتصادی در عرصه بین‌الملل کرده است؛ به نحوی که همکاری میان قانون‌گذاران و مقامات بازارهای سرمایه ضرورتی اساسی جهت جهانی‌سازی و پیوستن به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و رهنمون شدن به هدف همسان‌سازی یا تقریب استانداردهای حرفه‌ای و قانونی است (باقری و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۳۳ - ۳۵). این ضرورت تا جایی اهمیت دارد که توفیق بیشتر استانداردها به معنای بهبود وضعیت یکنواخت‌سازی حسابداری و مقررات‌گذاری در بازارهای سرمایه دنیا و حذف یکی از موانع ساختاری جریان سرمایه‌گذاری بین‌المللی محسوب می‌شود (Lakmal, 2014; Diaconu, 2007). بنابراین، به سیاقی که نظریه تفسیری شورای نگهبان دلالت می‌کند و سوابقی که سازمان آیسکو در خصوص پیش‌نویس‌هایی از اصول اساسی مقررات اوراق بهادار جهت پذیرش آن توسط مقامات ملی اوراق بهادار ارائه می‌دهد (باقری و قنبری، ۱۳۸۹: ۳۵ و ۴۵)، اصولاً باید تشریفات شکلی قانون اساسی را تنها حاکم بر معاهدات دولت کرد و تفاهم‌نامه‌ها و مبادلات بین سازمانی را (جز در زمینه حکومت اصول بنیادین قانون اساسی) داخل در شمول آن ندانست.

۳. وضعیت و نتیجه حقوقی بحث بر اساس موضع سایر قوانین و مقررات

۳-۱. موضع سایر قوانین و مقررات حاکم نسبت به موضوع

در مقام تبیین ابعاد حقوقی بحث بر اساس سایر قوانین و مقررات حاکم بر موضوع عناوین

ذیل حائز بررسی است:

۳-۱-۱. آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی

در موضوع رعایت مفاد آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی مصوب ۱۳۷۱/۰۲/۱۳، با توجه به اطلاق عنوان دستگاه (سازمان) دولتی در ماده ۱ آیین‌نامه فوق و بنا بر اصول مندرج در صدر آن آیین‌نامه (اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی)، عنوان صریح و مفاد آیین‌نامه یادشده بر این دلالت می‌کند که «دستگاه (سازمان) دولتی، وزارتخانه، مؤسسه، یا شرکتی است که مطابق قوانین و مقررات اعمال حاکمیت یا تصدی دولت جمهوری اسلامی

ایران را در امری به عهده دارد...». تعریف توافق حقوقی در همان ماده نیز مترتب بر «توافقی ناشی از روابط بین‌المللی که به موجب آن دستگاه دولتی در مقابل دولت، مؤسسه، و شرکت دولتی خارجی یا مجامع، شوراها، و سازمان‌های بین‌المللی ملتزم به امری شود و دارای آثار و ضمانت اجرای حقوقی باشد» ناظر به امور دولتی است. از همین جهت، ماده ۹ آیین‌نامه اشعار می‌دارد: «عضویت در اتحادیه‌ها، سازمان‌ها، و مجامع بین‌المللی صرفاً به نام دولت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته خواهد شد و هیئت‌وزیران با توجه به وظایف قانونی دستگاه‌ها، حسب مورد، دستگاه ذی‌ربط را معین خواهد کرد.» با هدف تطبیق این مورد با قانون مرجع بازار سرمایه ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار طبق تصریح ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ که از حیث تاریخ تصویب مؤخر و از جهت رتبه حقوقی در هرم هنجاری مقدم بر آیین‌نامه یادشده است منصرف از عنوان دستگاه دولتی (و مشمول عنوان نهاد عمومی غیر دولتی) است. با این حال، گرچه ماده ۱۷ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «کلیه دستگاه‌های دولتی، همچنین مؤسسات و سازمان‌ها و شرکت‌هایی که شمول حکم بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، مشمول مقررات این آیین‌نامه می‌باشند»، سرایت و تعمیم آیین‌نامه بر مفاد قانون محل تردید است. با لحاظ ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار و صرف‌نظر از عدم شمول تعریف یادشده نسبت به سازمان بورس و اوراق بهادار، بنا به حساسیت و اهمیت مبنای مقرر در اصل‌های ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخی از موضوعات پیش روی بازار سرمایه به دلیل وجهه عمومی و حاکمیتی حسب مورد می‌تواند مشمول روح اصول مصرح در قانون اساسی و حسب مورد موضوعات مندرج در مواد ۷ و ۱۱ آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی باشد.

۳-۱-۲. قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

بند «ه» ماده ۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۰۷) که وفق قانون دائمی کردن قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ به دائمی تغییر وضعیت داده) وزارت امور اقتصادی و دارایی را مکلف کرده ظرف سه سال از تصویب این قانون قراردادهای تبادل اطلاعات مالیاتی، گمرکی، و بورس را از طریق سازمان مالیاتی، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار با سازمان‌های متناظر در کشورهای دیگر منعقد کند و اقدامات قانونی لازم را برای تصویب در

مجلس شورای اسلامی به عمل آورد.

به تصریح موارد یادشده در مباحث پیشین، اولاً اگرچه فحوای مندرج در ماده مرقوم (بند «ه» ماده ۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد) دارای اطلاق است و هر گونه قراردادهای تبادل اطلاعات مالیاتی، گمرکی، و بورس که از طریق سازمان مالیاتی، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار با سازمان‌های متناظر در کشورهای دیگر منعقد شده باشد را در شمول حکم تصویب در مجلس می‌داند، بخش دوم بند مورد استناد (بند «ه» ماده ۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد) مبنی بر انجام دادن اقدامات قانونی لازم برای تصویب قراردادهای مورد اشاره (در خصوص بازار سرمایه) جهت تصویب در مجلس با نظریات تفسیری شورای نگهبان و موضع قبلی مجلس شورای اسلامی مقرر در بند ۲۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار همخوانی ندارد و به دلیل معتبر بودن کلیه این مقررات قانونی همه آنها لازم‌الاتباع هستند. ثانیاً شاید تغییر موضع مجلس در خصوص لزوم تصویب موضوعات مد نظر قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در پارلمان ناشی از پی بردن بیش از پیش این مرجع به اهمیت موضوعاتی است که می‌تواند آثار مالی و حقوقی و اقتصادی در سطح ملی یا بین‌المللی بگذارد و اینکه ضرورتاً باید «دولت جمهوری اسلامی» طرف این قبیل قراردادها یا تعهدات در مقوله تبادل اطلاعات باشد موضوعیت ندارد. در هر صورت، میان رویکرد قانون اساسی، تفاسیر مترتب بر آن، و حکم مد نظر از قانون عادی تفاوت‌هایی وجود دارد که حتی ممکن است شامل قراردادهای خصوصی فی‌مابین مراجع یادشده نیز باشد. این در حالی است که پیش‌تر اعلام شد قراردادهای خصوصی را صرفاً به این سبب که با طرف خارجی است نمی‌توان مصداق تشریفات مندرج در قانون اساسی از حیث تصویب در مجلس تفسیر کرد.

۳-۱-۳. ماده ۱۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید

وفق مقرر ذیل ماده ۱۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵: «... سازمان می‌تواند نسبت به ارائه اطلاعات، اسناد، مدارک، و گزارش‌های مذکور به مراجع و نهادهای ذی‌صلاح داخلی و یا بین‌المللی با موافقت دادستان کل در چهارچوب صلاحیت‌های قانونی آنها اقدام نماید...». تبصره ۱ این ماده اشعار می‌دارد: «در صورتی که ارائه‌دهنده اطلاعات، اسناد، مدارک، و گزارش اعلام نماید که موارد ارائه‌شده جزء اسرار تجاری وی

محسوب و غیر قابل انتشار است، موضوع در هیئت‌مدیره سازمان مطرح و تصمیم‌گیری می‌شود. تصمیم هیئت‌مدیره سازمان در خصوص موضوع لازم‌الاتباع و مبنای اقدام خواهد بود». مطابق تبصره ۲ نیز «اسرار تجاری محرمانه تلقی می‌شود و در صورت افشای آن سازمان مسئول جبران ضرر و زیان وارد شده به ارائه‌دهنده اسناد، مدارک، و اطلاعات می‌باشد؛ مشروط بر اینکه افشای اسرار تجاری توسط سازمان و در غیر موارد قانونی صورت گرفته باشد». با احتساب مقرر فوق و جمع آن با بحث حاضر، تفاهم‌نامه‌هایی با موضوعاتی از قبیل همکاری، مشاوره، یا عضویت مترتب بر مبادله اطلاعات فی‌مابین این سازمان و نهادهای ناظر بازار سرمایه در کشورهای مختلف و سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (از جمله در خصوص سوابق انضباطی اشخاص، مشخصات هویتی و سهامداری، سوابق معاملات اشخاص و استعلام سبد دارایی، و...)، با رعایت شرایط این قانون و با اذن دادستان کل کشور، قابلیت اجرا می‌یابد (صادقی، ۱۴۰۳: ۱۶۳). البته این به معنای ضرورت اخذ موافقت دادستان کل کشور با عضویت نیست. اما چون عضویت نوعاً مشتمل بر همکاری‌های دو یا چند جانبه یا التزام به ارائه اطلاعات و گزارش‌هاست، تحقق اهداف هر عضویت به نحوی مبتنی بر استیذان از دادستان کل کشور قلمداد می‌شود و عدم موافقت پیاپی با اطلاعات درخواست‌شده سازمان‌هایی مثل آیسکو یا اعضای آن (وفق توافق‌های دو یا چند جانبه) ممکن است وضعیت همکاری و عضویت سازمان بورس و اوراق بهادار در آن سازمان‌ها را متأثر سازد. زیرا مراجع مقررات‌گذار ملی با پذیرش عضویت در آیسکو به رعایت رویه‌ها و استانداردهای داخلی این سازمان متعهد می‌شوند. علاوه بر این، نقش این سازمان در تبادل اطلاعات فی‌مابین اعضا، همکاری‌های اجرایی، مشارکت در تدوین استانداردهای راجع به مقررات‌گذاری اوراق بهادار از کاربست‌های دیگر این سازمان بین‌المللی است که حکایت از وجود ملازمه بین عضویت و همکاری‌های مبتنی بر آن دارد.

۲-۳. مسئولیت دولت ایران در قبال الحاق مقام ناظر بازار سرمایه کشور به سازمان‌های بین‌المللی

با لحاظ قید مندرج در ماده ۱۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید و منصرف یا فارغ از اینکه دولت‌ها در معنا و تشریفات خاص در عضویت سازمان‌هایی مثل آیسکو نیستند و مراجع مقررات‌گذار بازار سرمایه در سطح ملی (به عنوان جزئی از دولت) عضو این

سازمان (به عنوان سازمان بین‌المللی فنی با صلاحیت خاص و متشکل از سازمان‌های داخلی وابسته به دولت‌ها) هستند، اولاً معاهده اعم از قراردادی یا تقنینی است و در هر دو صورت - فارغ از تفاوت در شرایط و تشریفات مربوط - مبتنی بر منافع و تعهدات طرفین است (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۸۱ - ۱۸۲). وفق جزء «الف» بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون (معاهده) ۱۹۸۶ وین درباره حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی نیز «معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف‌نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط با هم (به هر نامی) منعکس شده باشد». بنابراین، همکاری‌هایی که تحت نظر سازمان یادشده انجام می‌شود حاکی از این است که مرجع مقررات‌گذار ملی - با علم به قوانین حاکم بر کشور خود - می‌پذیرد در همکاری و ارائه اطلاعات اقدام مؤثری داشته باشد و اعمال صلاحیت فرامرزی را تجاوز به حوزه صلاحیت خویش تلقی نخواهد کرد؛ مگر اینکه به‌صراحت از این امر نهی یا مستثنی شده باشد (باقری و قنبری، ۱۳۸۹: ۴۵؛ فلسفی، ۱۳۹۸: ۱۷۵ - ۱۷۶). ثانیاً اعتبار ابلاغیه‌ها یا تصمیمات سازمان مورد بحث (در کلیه موارد یا عناوین اعم از اینکه توصیه‌نامه، دستورالعمل، تفاهم‌نامه، اعلامیه، اصول راهبردی، نظر، یا آیین‌نامه باشد)، چه الزام‌آور یا غیر الزامی و توصیه‌ای و اخلاقی قلمداد شود (همانند اعتبار اقدامات سایر سازمان‌های بین‌المللی)، چنانچه اراده دولت‌ها در پذیرش و اجرای آن به صورت صریح یا ضمنی ابراز شود، نمی‌توان آن را الزامی ندانست یا دولت‌ها را به طور کلی از مسئولیت یا آثار اقدام خود مبرا برشمرد (بیگزاده، ۱۴۰۰: ۲۱۸ - ۲۲۲). ثالثاً با وجود غیر دولتی تلقی شدن سازمان‌های بین‌المللی، مثل آیسکو، مسئولیت احتمالی دولت‌ها نسبت به مانحن‌فیه در پذیرش آثار عضویت مراجع مقررات‌گذار داخلی آن‌ها را باید تابعی از مسئولیت بین‌المللی دولت از جهت اعمال سازمان‌های اداری و اجرایی یا سازمان‌های قضایی برشمرد که اتخاذ تصمیم اجرایی خلاف حقوق بین‌الملل یا الزامات سازمان‌های بین‌المللی نادیده گرفتن اصل احترام به تعهدات قراردادی و معاهده‌ای، کوتاهی و اهمال در اجرای نظامات، یا نقص و بی‌نظمی سازمانی از جمله مصادیق احتمالی آن هستند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۴۶۳). بنابراین در فقره اخیر نمی‌توان غیر دولتی بودن سازمان داخلی و سازمان بین‌المللی یا ادعای الزام‌آور نبودن ابلاغیه‌ها و نظرات سازمان بین‌المللی را ابزار مستثنی شدن دولت ملی یا سازمان داخلی مربوط

از مسئولیت و پاسخگویی نزد نهادها و سازمان‌های بین‌المللی برشمرد؛ کما اینکه در خصوص نهادهای مشابه، مثل بانک مرکزی، نیز به این معنا نیست که چون بانک مرکزی (در کنار یا فارغ از امور حاکمیتی) به اعمال تجاری می‌پردازد مشمول اصل مصونیت / مسئولیت دولت نمی‌شود (مشهدی‌زاده و قدرت‌نما شبستری، ۱۴۰۳: ۴۱). چون مراجعی مثل سازمان بورس و اوراق بهادار داخل در تعریف دستگاه اجرایی (موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸) جزئی از بدنه قوه مجریه (ناشی از تفکیک قوا از یک‌دیگر) و متولی برخی امور حاکمیتی و عمومی هستند و صرف «عمومی غیر دولتی» بودن ماهیت آن‌ها از حیث استقلال مالی و بودجه‌ای (بر اساس ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار) نباید به مثابه عدم مسئولیت آن‌ها یا دولت متبوع (دولت ایران) در قبال تصمیمات بین‌المللی ناشی از اعمال قابل انتساب محسوب شود.

بر اساس مراتب بیان‌شده، احاطه موضوعات بین‌المللی دارای جنبه عمومی یا ملی به مرجعی غیر دولتی با ماهیت عمومی غیر دولتی (سازمان بورس و اوراق بهادار) حسب مورد و مترتب بر اعمال منتسب به مقامات دولتی از قبیل اعمال ارکان قانون‌گذاری، سازمان‌های اداری-اجرایی، سازمان‌های قضایی، یا حتی اقدام فرد به حساب کشور (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۴۶۲ - ۴۶۴) نافی تعهدات دولت ایران در عرصه معاهدات بین‌المللی نیست. در عین حال، چنانچه دولت جمهوری اسلامی ایران به انعقاد معاهده، تفاهم‌نامه، یا قراردادی مبادرت کند که مترتب بر یکی از مسائل بورس و بازار اوراق بهادار است، قطعاً دولتی است و مشمول دو اصل مارالذکر از قانون اساسی و مفاد آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی خواهد بود. در مقابل، اگر سازمان بورس یا هر یک از تشکلهای حرفه‌ای این بازار (بنا به عنوانی مستقل از دولت یا امور داخلی خصوصی و خارج از عنوان خاص دولت) اقدام به انعقاد تفاهم‌نامه یا قراردادی کنند، وفق منطوق اصول مد نظر از قانون اساسی و تفسیر شورای نگهبان، منصرف و خارج از مقوله خاص دولت خواهد بود. مثلاً برخلاف ظاهر مقررۀ مورد استناد، که بر اساس آن سازمان به دلیل عدم شمول در عنوان دولتی تابع آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی نیست، راهبری و پشتیبانی امور مربوط به سامانه‌های معاملاتی و انعقاد قراردادهای خارجی مترتب بر آن‌ها، الحاق به سازمان‌های بین‌المللی، یا همکاری‌های دو یا چند جانبه با کمیسیون‌های اوراق بهادار در موضوعات بنیادین و اساسی متعلق به صلاحیت خاص دولت در مواردی می‌تواند

مصادق معیارها و شرایط مندرج در مواد یادشده آیین‌نامه باشد که اگر با رعایت اصول قانون اساسی ناظر به ملاحظات حاکمیت و امنیت ملی محقق گردد یا دولت ایران طرف این توافق‌ها شناخته شود و نهاد ناظر بازار سرمایه به عنوان نماینده دولت ایفای نقش کند، موضوع لاجرم باید از مجرای دو اصل اشاره‌شده و با رعایت آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی محقق شود. وانگهی، بند «ه» ماده ۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به شرح مقرر در بحث پیشین ضرورت تصویب مراتب مرقوم توسط مجلس را تصریح کند و دلالت صریحی بر مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی (به عنوان بخشی از قوه مجریه و دولت) در موضوع معنون دارد.

به هر حال، اگرچه قانون بازار اوراق بهادار جز در بند ۲۱ ماده ۷ دلالت دیگری نسبت به موضوعات پیش‌گفته ندارد، در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های آتی نسبت به این قانون یا سایر قوانین مرتبط با بازار سرمایه می‌توان همانند بعضی قوانین دیگر^۷ پیش‌بینی کرد که اولاً «موافقت با پیوستن سازمان بورس و اوراق بهادار به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی یا خروج از آن‌ها و پرداخت حق عضویت» بر عهده شورای عالی بورس باشد. ثانیاً در چارچوب موارد بیان‌شده، با تصریح در قانون، سازمان بورس و اوراق بهادار نمایندگی رسمی دولت ایران در مجامع و مراجع تخصصی بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با بورس و بازار اوراق بهادار را عهده‌دار باشد. این تدبیر، در عین اینکه رافع ابهام‌ها و ایرادهای متصور خواهد بود، ابعاد یا آثاری خواهد داشت. از جمله: ۱. علاوه بر بندهای مهمی از ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار از حیث اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی و توسعه بازار، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی کلان بازار در قالب سیاست‌های کلی نظام و قوانین مربوط، و اعمال نظارت عالی بر اجرای قانون، وفق بند ۷ این ماده، مرجع قانونی نظارت بر فعالیت و رسیدگی به شکایت از سازمان شورای عالی بورس و اوراق بهادار است. یعنی، عملکرد شورا اعم از «نظارت عالی و ترسیم راهبردهای اصلی بازار سرمایه کشور» و «نظارت بر فعالیت سازمان بورس» است؛ ۲. قانون بازار اوراق بهادار به موجب بندهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ماده ۴ موضوعاتی از قبیل «اعطای مجوز به بورس به منظور عرضه اوراق بهادار شرکت‌های پذیرفته‌شده خود در بازارهای جهانی»، «اعطای مجوز پذیرش اوراق بهادار خارجی به بورس»، و «اعطای مجوز به بورس جهت معاملات اشخاص خارجی در بورس» را در زمره وظایف قانونی شورای عالی بورس و اوراق

بهادار قرار می‌دهد و اهمیت عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از موارد فوق دست‌کم ندارد و حتی از همان صنف است؛ ۳. از این حیث که به موجب بند ۶ ماده ۴ قانون بازار «تصویب بودجه و صورت‌های مالی سازمان» در عداد تکالیف قانونی شورا است و با لحاظ اینکه قانون کنونی (مصوب ۱۳۸۴) دلالتی بر «پرداخت حق عضویت در سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی یا خروج از آن‌ها» ندارد، تحقق این مهم منوط به اخذ موافقت سازمان از شورای عالی بورس خواهد بود؛ ۴. به تصریح صدر ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار «شورا بالاترین رکن بازار اوراق بهادار است که تصویب سیاست‌های کلان آن بازار را بر عهده دارد». بنابراین، شورای عالی بورس ترکیبی از اعضای است که غالباً در بخش‌های حاکمیتی و دولتی مشغول فعالیت هستند و از حیث شخصیت حقوقی (وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دادستان کل کشور یا معاون وی) دسترسی بیشتری به سایر نهادهای دولتی و عمومی دارند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۲۱؛ پیری، ۱۴۰۰: ۱۰۹)؛ ۵. تحقق این امر ضمن اینکه با روح قانون اساسی و رویکرد مقنن در دیگر قوانین عادی (مثل قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد) موافق و منطبق می‌شود، میزان نظارت بر عملکردها و فعالیت سازمان بورس را افزایش می‌دهد و ضریب ریسک‌های حقوقی، سیاسی، و اجرایی را پایین می‌آورد. به تبع، تصمیم‌گیری‌های سازمان بورس و اوراق بهادار در حوزه همکاری‌های خارجی و الحاق به سازمان‌های بین‌المللی از پشتوانه نظارتی و سیاستی مستحکم‌تر و توازن حقوقی متقن برآمده از قانون اساسی و قوانین عادی مربوط برخوردار و باعث می‌شود آثار حقوقی و سیاسی و اجرایی ناشی از این مهم (همکاری و مشارکت با مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی) منحصر در تشخیص اعضای هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار نشود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحلیل موضوع این نوشتار با اصول مرتبط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و احکام مربوط در سایر قوانین عادی ما را به این برآمدها و نتایج رهنمون می‌سازد:

➤ با امعان نظر به اینکه تشکیل و تعریف مؤسسات عمومی غیر دولتی متمایز از عنوان دولت به معنای خاص است، لاجرم باید احکام مقرر در اصول قانون اساسی را محدود به عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادهای، و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی فی‌مابین

دولت جمهوری اسلامی با سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی دانست و منطوق و مفهوم این امر را جز در موارد معاهدات و توافقاتی با اهمیت به سایر همکاری‌ها (غیر دولتی) تعمیم نداد.

➤ گرچه تفسیر شورای نگهبان از این امر با اطلاق (نه عمومیت) و ظاهر ضابطه کنونی قانون اساسی انطباق دارد، از این جهت که عمل مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی بر اساس همکاری و مشارکت با مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی حقوق و منافع عمومی مرتبط با حوزه صلاحیت سازمان صلاحیت‌یافته را تحت تأثیر قرار می‌دهد که گاه دارای اهمیتی در حد اهمیت امور دولتی است، با لحاظ عدم دخالت مستقیم مجلس شورای اسلامی (به عنوان نمایندگان مردم و مظهر مردمی حاکمیت)، می‌تواند آثاری را در پی داشته باشد که در قیاس با نظارت مجلس بر دولت کم‌اثر باشد. البته به شرحی که گذشت مجلس شورای اسلامی بعدها در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد بخش‌هایی از این اهمیت را مد نظر قرار داد و مراتبی از معاهدات مترتب بر قراردادهای تبادل اطلاعات مالیاتی، گمرکی، و بورس- که از طریق سازمان مالیاتی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار با سازمان‌های متناظر در کشورهای دیگر منعقد می‌شود- را مستلزم اقداماتی در جهت تصویب مجلس کرد که در جای خود حکایت از پی بردن این مرجع به اهمیت موضوعاتی دارد که از حیث بازارهای مالی می‌تواند آثار حقوقی، اقتصادی، و سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشد. همچنین، با وجود تفاوت رویکرد این دلالت قانونی بر مفاد قانونی سابق تغییر موضع قانون‌گذار در این خصوص مؤید آن است که اینکه ضرورتاً «دولت جمهوری اسلامی» باید طرف این قبیل قراردادها یا تعهدات در مقوله تبادل اطلاعات باشد گاه موضوعیت ندارد و از حیث مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی (به عنوان بخشی از قوه مجریه و دولت) در این تصریح می‌تواند قائل به تأمین یا اجرای اصول قانون اساسی از منظری دیگر بود.

➤ قانون‌گذار بر اساس قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید تدابیری را اتخاذ کرده تا حتی‌الامکان آثار نظارت‌پذیری این موضوعات از سوی مجلس شورای اسلامی یا دادستان کل کشور

ترمیم شود. اما همچنان باید این تدابیر را پسینی و حسب مورد برشمرد. همچنین، با لحاظ اینکه در ترکیب شورای عالی بورس و اوراق بهادار (در قانون بازار) نماینده‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی متصور نشده، اما متعاقباً طبق قانون عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع، و سایر هیئت‌ها مصوب ۱۳۹۳/۰۱/۲۴ که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصالح نظام تشخیص داده شده، شورای عالی بورس (حسب شق ۳ از بند «ب» ماده ۱ قانون مورد اشاره) از جمله شوراهایی شناخته می‌شود که واجد دو نماینده ناظر از مجلس شورای اسلامی است. به تصریح صدر ماده ۱ این قانون، نمایندگان اشاره‌شده با معرفی کمیسیون تخصصی ذی‌ربط و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در شوراهای عالی عضویت می‌یابند. بنابراین، نقش آن‌ها نظارتی است.

➤ علاوه بر دلایل مطرح‌شده، از این جهت که قانون بازار اوراق بهادار به موجب بندهای ۱، ۲، ۱۳، ۱۴، و ۱۵ ماده ۴ موضوعاتی از قبیل «اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی و توسعه بازار اوراق بهادار و اعمال نظارت عالی بر اجرای این قانون»، «تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی بازار اوراق بهادار در قالب سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط»، «اعطای مجوز به بورس به منظور عرضه اوراق بهادار شرکت‌های پذیرفته‌شده خود در بازارهای جهانی»، «اعطای مجوز پذیرش اوراق بهادار خارجی به بورس»، و «اعطای مجوز به بورس جهت معاملات اشخاص خارجی در بورس» را در زمره وظایف قانونی شورای عالی بورس و اوراق بهادار قرار داده، اهمیت عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از موارد فوق دست‌کم ندارد و حتی از همان صنف است. بنابراین، به علت ماهیت این شورا از منظر سیاست‌گذاری و جایگاه بالادستی آن نسبت به سازمان بورس و با احتساب عضویت دادستان کل کشور وفق بند ۶ ماده ۳ قانون بازار در شورای یادشده (از حیث مفاد ماده ۱۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید)، قانون‌گذار باید تصریح می‌کرد که اولاً «موافقت با پیوستن سازمان بورس و اوراق بهادار به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی یا خروج از آن‌ها و پرداخت حق عضویت» بر عهده شورای عالی بورس باشد و ثانیاً سازمان بورس و اوراق بهادار

در چارچوب موارد بیان‌شده نمایندگی رسمی دولت در مجامع و مراجع تخصصی بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با بورس و بازار اوراق بهادار را عهده‌دار باشد.

یادداشت‌ها

۱. مثلاً، ملاحظات قانونی و مقرراتی که نتیجه آن برخورداری کمتر کشورمان از سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بر پذیرش شرکت‌های خارجی در ایران می‌نماید، از این قرار است: ۱. طبق بند ۱۴ ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار، اعطای مجوز پذیرش اوراق بهادار خارجی از وظایف شورای عالی بورس است. بند ۱۵ همین ماده با این فرض که پذیرش زمینه‌ای از سرمایه‌گذاری خارجی است و نظارت بر این‌ها طبق بند ۱۴ ماده ۷ بر عهده سازمان بورس و اوراق بهادار است، اعطای مجوز به بورس جهت انجام دادن معاملات اشخاص خارجی در بورس را بر عهده شورا قرار داده است. ۲. با توجه به ماده ۱۱ آیین‌نامه سرمایه‌گذاری خارجی در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس مصوب ۱۳۸۹/۰۱/۲۹ هیئت وزیران: «در موضوعاتی مثل پذیرش شرکت‌های خارجی مقررات لازم در مورد آن‌ها بر اساس بندهای ۱۳، ۱۴، و ۱۵ ماده ۴ قانون [بازار اوراق بهادار] به تصویب شورا می‌رسد. این موارد عبارت‌اند از: الف) سهام ناشران ایرانی پذیرفته‌شده در بورس یا بازار خارج از بورس که هم‌زمان در بورس یا بازار خارج از بورس کشور دیگری پذیرفته شده‌اند؛ ب) آن بخش از سهام ناشران ایرانی پذیرفته‌شده در بورس یا بازار خارج از بورس که برای معامله اشخاص خارجی در کشور دیگر به هر طریق اختصاص یابد؛ ج) اوراق بهادار صادرشده توسط ناشر خارجی که در بورس یا بازار خارج از بورس ایرانی پذیرفته شده باشند؛ د) آن بخش از سهام ناشران ایرانی پذیرفته‌شده در بورس یا بازار خارج از بورس که به صورت ارزی معامله می‌شوند». ۳. ماده ۶۲ دستورالعمل پذیرش و عرضه و نقل و انتقال اوراق بهادار در فرابورس ایران مصوب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار (مشابه ماده ۵۵ مکرر ۱ دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران مصوب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار) شرایط زیر را برای پذیرش ناشر خارجی مد نظر قرار داده است: «سهام شرکت‌های خارجی علاوه بر احراز شرایط این دستورالعمل حداقل باید از شرایط زیر برخوردار باشد: الف) قبلاً در بورس کشور مبدأ یا کشور دیگری پذیرفته شده باشد؛ ب) مجوز فعالیت در صنعت مورد فعالیت را از وزارتخانه مربوطه در کشور مبدأ یا نهاد ناظر مرتبط دریافت کرده باشد؛ ج) صورت‌های مالی شرکت بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) و یا استاندارد مورد تأیید سازمان تهیه شده باشد؛ د) فرابورس می‌تواند مدارک و مستندات بیشتری همانند استعمال از نهادهای ناظر، گزارشات اعتبارسنجی، و سایر اطلاعات به تشخیص خود را از شرکت خارجی درخواست کند».

۲. برای مثال، بند ۱۴ ماده ۳۵ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۱۱، اتخاذ تصمیم در مورد روابط همکاری در زمینه استاندارد با سازمان‌های علمی و مؤسسات مشابه خارجی و پرداخت حق عضویت‌ها در چهارچوب قوانین و مقررات کشور را در زمره وظایف و اختیارات شورای عالی استاندارد لحاظ کرده است.

3. international organization of securities commissions (IOSCO)

4. associate members

5. ordinary members

۶. شاهد مثال مقرراتی تقویت این استدلال عبارت از مواد ۷ و ۱۱ آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی مصوب ۱۳۷۱/۰۲/۱۳ است که مقرر می‌دارد: «ماده ۷. موضوعات زیر باید به تناسب تحت یکی از عناوین عهدنامه، مقاله‌نامه، موافقت‌نامه، قرارداد، یا پیمان و در چارچوب توافقات حقوقی تشریفاتی تنظیم و

تصویب شود: الف) تعیین خطوط مرزی، روش‌های حل اختلافات مرزی، صلح و مناقشات با دولت‌ها؛ ب) برای ایجاد مودت در ارتباط با همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی، اجتماعی، تجاری، فرهنگی، علمی، و فنی؛ ج) در مورد توافقات چندجانبه بین‌المللی که در چارچوب یا تحت نظارت سازمان‌ها، مجامع، و اتحادیه‌های بین‌المللی منعقد می‌شود؛ د) برای بیان قواعد، شرایط اجرا، تمدید، تکمیل، تفسیر، یا اصلاح دیگر توافقات حقوقی تشریفاتی، در صورتی که اجازه انجام آن توسط دستگاه دولتی در توافق‌نامه حقوقی تشریفاتی لحاظ شده باشد؛ ه) در مورد مسائل تعهدآور سیاسی-نظامی یا دفاعی دو یا چند جانبه منطقه‌ای یا جهانی؛ و) در مورد تأسیس و عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع، و سازمان‌های بین‌المللی؛ ز) در مورد تصمیمات کنفرانس سازمان بین‌المللی کار، موضوع قسمت اول بند ۱ ماده ۱۹ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار. ماده ۱۱. مرجع تصویب متون موضوع ماده ۷ این آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی است و امضای نهایی آن‌ها بعد از تصویب مجلس شورای اسلامی مطابق اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده مقام ریاست‌جمهوری یا نماینده‌ای است که از طرف ایشان حسب موضوعات به طور موردی یا کلی تعیین می‌شود.

۷. طبق ماده ۳۲ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۱۱، سازمان ملی استاندارد ایران نمایندگی دولت جمهوری اسلامی ایران در مجامع و مراجع تخصصی بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با حوزه استاندارد و کیفیت را بر عهده دارد. همچنین، بند ۱۴ ماده ۳۵ قانون یادشده اتخاذ تصمیم در مورد روابط همکاری در زمینه استاندارد با سازمان‌های علمی و مؤسسات مشابه خارجی و پرداخت حق عضویت‌ها در چهارچوب قوانین و مقررات کشور را در زمره وظایف و اختیارات «شورای عالی استاندارد» (با ترکیب مصرح در ماده ۳۴) لحاظ کرده است (نه سازمان ملی استاندارد ایران).

منابع

کتاب

- بیگ‌زاده، ا. (۱۴۰۰). حقوق سازمان‌های بین‌المللی. چ ۷. تهران: مجد.
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- پیری، ف. (۱۴۰۰). حقوق بورس و اوراق بهادار با تأکید بر قانون بازار اوراق بهادار. تهران: جنگل.
- زمانی، س.ق. (۱۳۹۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی. چ ۳. تهران: شهر دانش. ج ۱.
- سلطانی، م. (۱۳۹۶). حقوق بازار سرمایه. چ ۴. تهران: سمت.
- ضیائی بیگدلی، م.ر. (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل عمومی. چ ۶۵. تهران: گنج دانش.
- فلسفی، ه.ا. (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل معاهدات. چ ۶. تهران: فرهنگ نشر نو.
- قاضی شریعت‌پناهی، س.ا. (۱۴۰۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. چ ۱۶. تهران: میزان.
- قلندری، ا.ح.، میرزایی، م.، و دادگستر، س.م.ر. (۱۴۰۳). مبانی شبکه‌های تنظیم‌گری، ضرورت‌ها، کارکردها، و ابزارها. تهران: کتاب راهبرد با همکاری اندیشکده حکمرانی شریف.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۵). فلسفه حقوق. چ ۳. تهران: شرکت سهامی انتشار. ج ۲.
- هاشمی، س.م. (۱۳۹۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چ ۲۹. تهران: ج ۲.

مقالات

- باقری، م.، و قنبری، ح. (۱۳۸۹). مشکلات حقوقی ناشی از بین‌المللی شدن بازارهای سرمایه و جایگاه قوانین ملی. پژوهش حقوق عمومی، ش ۲۹، ۲۵ - ۶۴.
- باقری، م.، و مظفری، م.، و صادقی، م. (۱۳۹۵). مسئله تنظیم بازارهای بین‌المللی بورس: از تنظیم معاملات اوراق بهادار تا تنظیم حقوقی استانداردهای حسابداری. بورس اوراق بهادار، ش ۳۶، ۱۱۷ - ۱۳۸.
- سلطانی، س.ن. (۱۴۰۰). یک اصل قانون اساسی؛ دو نظام اقتصادی تحولات اصل ۴۴، نمونه‌ای از بازنگری غیر رسمی در قانون اساسی. دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۲۰، ۲۴۹ - ۲۷۰.
- صادقی، م. (۱۴۰۳). استیذان از دادستان کل کشور در ارائه اطلاعات اشخاص موضوع ماده ۱۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید. پژوهش‌های حقوق مالی و اقتصادی، ش ۱، ۱۳۹ - ۱۷۶.

صادقی، م. و ابراهیمی، س.ن. (۱۳۹۶). قاعده حل تعارض در تعیین قانون حاکم بر اوراق بهادار. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۲۱، ش ۳، ۱۲۵ - ۱۵۳.

مرادخانی، ف. (۱۴۰۰). تغییر غیر رسمی قانون اساسی (مبانی، مصادیق، و رویکردها). تحقیقات حقوقی، ش ۹۳، ۲۷۳ - ۳۰۲.

مشهدی‌زاده، ع.ر. و قدرت‌نما شبستری، ا.ح. (۱۴۰۳). بانک مرکزی: شرکت تجاری مستقل یا رکن حاکمیتی (با تأکید بر رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان بین‌المللی دادگستری). مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۷۳، ۳۱ - ۴۴.

References

Books

- Beigzadeh, E. (1400). *The Law of International Organizations*, 7th edition, Tehran: Majd. (in Persian)
- constitutional Council Institute Research (1397). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran with the interpretative opinions of the Guardian Council*, Tehran: Constitutional Council Institute Research. (in Persian)
- Falsafi, H. (1398). *International Law of Treaties*, 6th edition, Tehran: Farhang Nashr No. (in Persian)
- Hashemi, S M. (2019). *Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran*, Vol. 2, Twenty-ninth Edition, Tehran: Mizan. (in Persian)
- Katouzian, N. (2006). *Philosophy of Law*, Vol. 2, Third Edition, Tehran: Publication Joint Stock Company. (in Persian)
- Piri, F. (1400). *Law of Stock Exchanges and Securities with Emphasis on the Law of the Securities Market*, Tehran: Jangal. (in Persian)
- Qalandari, AH; Mirzaei M and Dadgostar, S MR. (1403). *Fundamentals of Regulatory Networks, Necessities, Functions and Tools*, Tehran: Center for Strategic Studies in Cooperation with the Sharif Governance and Policy ThinkTank. (in Persian)
- Qazi Shariatpanahi, S A. (1400). *Fundamental Rights and Political Institutions*, 16th edition, Tehran: Mizan. (in Persian)
- Soltani, M. (1396). *The Law of Capital Market*, 4th edition, Tehran: Samt. (in Persian)
- Zamani, S Gh. (1399). *Law of International Organizations*, Vol. 1, 3rd edition, Tehran: Shahr Danesh. (in Persian)
- Ziaei Bigdeli, MR. (1398). *Public International Law*, 65th edition, Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)

Articles

- Bagheri, M (2007). Conflict of Laws, *Economic Regulations and Corrective/Distributive Justice*, Volume 28, University of Pennsylvania, Journal of International Law, vol 28, 113-151.

- Bagheri, M & Ghanbari, H. (2010). IAEA legal problems resulting from the latest investment and Gas Markets National laws, *Public Law Research*, V. 12, Issue 29, 25-64. (in Persian)
- Bagheri, M & Sadeghi, M & Mozaffari M. (2017). Regulating the international Markets of the Exchange: From Regulation of Securities Transactions to Legal Regulation of Accounting Standards, *Journal of Securities Exchange*. V. 9, Issue 36, 117-138. (in Persian)
- Diaconu, P (2007). Harmonization of the International Accounting System, Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.957029>
- Hillman, W. Robert. (1992). Cross -Border Investment, *Conflict of Laws, and the Privatization of Securities Law*, vol. 55, Law and Contemporary Problems, 331 -355.
- Lakmal, D. (2014). Impact of International Accounting Harmonization, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2387327>
- Mashhadizadeh, A, Ghodratinama shabestari, A. (2024). Central Bank: an Independent Company or a Sovereign Organ (with an emphasis on the judgment of the International Court of Justice issued on March 30, 2023), *International Law Review*, V. 41, Issue 73, 31-44. (in Persian)
- Moradkhani, F. (2021). Informal constitutional change (Foundations, Cases and Approaches), *Legal Research Quarterly*, V. 24, Issue 93, 273-302. (in Persian)
- Sadeghi, M & Ebrahimi, S N. (2017). Rule of conflict resolution in determining the applicable law on securities, *Comparative law Research Quarterly*, V. 21 (3), 125-154. (in Persian)
- Sadeghi, M. (2024). Legal aspects of Securities and Exchange organization's permission from the Attorney General of the country based on Article 16 of the Law for Development of New Financial Instruments and Institutions, *Journal of Financial and Economic Law Research*. V. 1, No. 1, 139-168. (in Persian)
- Soltani, S N. (2022). An article of constitution two economic system; principle 44 of the constitution an example of informal constitutional change, *Encyclopedia of Economic Law Journal*, V. 28, Issue 20, 249-270. (in Persian)